

دَکھنِ اُیو عیدِ الرجنِ اکر دی

و حقیقت و اہمیت آن

قادرِ فزبانِ

(ویژہ اہل سنت)



گردآورنده
مولانا مفتی محمد شفیع

مترجم
محمد امین حسین بر

تاریخ قربانی

وحقیقت و اہمیت آن

گردآورنده

مولانا مفتی محمد شفیع رحمۃ اللہ علیہ

مترجم

محمد امین حسین بر

عثمانی، محمد شفیع، ۱۸۹۷-۱۹۷۶

تاریخ قربانی و حقیقت و اہمیت آن / گردآورنده محمد شفیع؛ مترجم محمد امین حسین بر۔ - [ویرایش ۲]۔ - تربت جام: احمد جام، ۱۳۷۸.

ISBN: 964-6765-15-7

۵۶ ص.

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامہ بہ صورت زیر نویس.

ISBN: 964-6765-66-1

چاپ دوم: ۱۳۷۹

۱. حج۔ - قربانی. الف. حسین بر، محمد امین، ۱۳۳۷۔ ، مترجم. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۵۷

ت ۲ ع ۱۸۸/۸ BP

۱۳۷۸

۷۸-۱۳۷۹ م

کتابخانہ ملی ایران

انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

تاریخ قربانی و حقیقت و اہمیت آن

گردآورنده

مولانا مفتی محمد شفیع رحمۃ اللہ علیہ

مترجم

محمد امین حسین بر

چاپخانہ: دقت (نسخہ) ۳۱۲۵۰۵۲

رقعی، ۵۹ صفحہ، ۳۰۰۰ نسخہ، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۷

۲۰۰۰

ISBN: 964-6765-6

شابک ۱۴-۶۷۶۵-۶۶-۱

فهرست مطالب

پیش‌گفتار مترجم	۵
تاریخ قربانی و حقیقت و اهمیت آن	۱۰
تاریخ قربانی	۱۱
واقعه‌ی عظیم الشان قربانی و سنت ابراهیمی علیه‌السلام	۱۳
دعوت حق	۱۴
دشمنی قوم و انجامش	۱۴
هجرت از عراق	۱۵
دعای فرزندان	۱۶
بشارت ولادت حضرت اسماعیل علیه‌السلام	۱۷
امتحان سخت و دومین هجرت به سوی حجاز	۱۸
مکرهای شیطان	۲۲
قربانی قوج عوض حضرت اسماعیل علیه‌السلام	۲۶
یادگار ابراهیمی	۲۹

۳۰	یادگارهای اسلامی
۳۲	حقیقت قربانی
۳۲	حجاج و غیرحجاج در مسأله‌ی قربانی مساوی هستند
۳۸	سؤال اقتصادی
۴۵	احکام عیدالاضحی و قربانی
۴۵	فضایل دهه‌ی اوّل ذی‌الحجه
۴۶	تکبیر تشریق
۴۶	نماز عید
۴۷	قربانی
۴۹	قربانی بر چه کسی واجب می‌گردد
۵۰	روزهای قربانی
۵۰	صدقه و خیرات عوض قربانی
۵۱	وقت قربانی
۵۱	حیوان قربانی
۵۴	روش مسنون قربانی
۵۵	گوشت قربانی
۵۶	پوست قربانی
۵۸	متفرقات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار مترجم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ لَأَنِّي بَعْدَهُ.
 أَمَّا بَعْدُ: قربانی یکی از شعائر اسلام و عبادات مهم
 است که از زمان حضرت آدم علیه السلام آغاز گردید.
 چنانکه قرآن، درباره‌ی هابیل و قابیل، پسران حضرت
 آدم (علیه السلام)، می فرماید:

إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ.

«چون (هابیل و قابیل) قربانی پیش کردند، قربانی
 یکی از آن‌ها (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل)
 پذیرفته نشد.»

بعد از حضرت آدم علیه‌السلام هر قوم و ملتی دارای یک نوع قربانی بود. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا سَمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ
مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ^۱

«و برای هر امتی روش قربانی را تعیین ساخته‌ایم تا یاد کنند خدا را بر آنچه داده است ایشان را از چهارپایان مواشی.»

حتی حضرت ابراهیم علیه‌السلام یگانه پسر خود را، جهت قربانی خدمت خداوند متعال عرضه داشت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم هم به ذبح قربانی امر شد. چنانکه خداوند متعال در سوره‌ی کوثر او را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید:

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ.

«پس نماز بخوان برای پروردگارت و قربانی کن.»
نیز از عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنه روایت شده که:
أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ عَشْرَ

سِنِينَ يُضَحِّي. ۱

«رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مدّت ده سال در مدینه‌ی منوره مقیم شد و در تمام این ده سال، قربانی ذبح می‌کرد.»

محبوبترین عمل نزد خداوند متعال در روز عید، ذبح قربانی است. چنانکه در حدیثی از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها آمده:

مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِهْرَاقِ الدَّمِ وَ إِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِقُرُونِهَا وَ أَشْعَارِهَا وَ أَضْلَافِهَا وَ إِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ بِالْأَرْضِ فَطَبِّئُوا بِهَا نَفْسًا. ۲

«نزد خداوند متعال در روز نحر، هیچ عملی از اعمال بنی آدم، از ریختن خون قربانی بهتر نیست. همانا قربانی در روز قیامت به پیشگاه خداوند به همراه شاخ‌ها، موها و سم‌هایش حاضر می‌شود و همانا خون قربانی قبل از این‌که به زمین بریزد به بارگاه ایزدی شرف قبولیت می‌یابد، پس به وسیله‌ی قربانی نفس‌هایتان را

۱ - مشکوٰۃ ج ۱، ص ۱۲۹

۲ - ترمذی ج ۱، ص ۱۱۱

خوش کنید.»

باید دانست که ذبح قربانی اجر زیاد دارد چنانکه در حدیثی از زید بن ارقم آمده که اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد قربانی سؤال کردند و گفتند:

مَا هَذِهِ الْأَضَاحِي؟ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالُوا فَأَلْنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ قَالُوا
فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ
حَسَنَةٌ! ۱

«ای رسول خدا! چه هستند این قربانی‌ها؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم در پاسخ فرمود: (قربانی) سنت پدرتان حضرت ابراهیم علیه السلام است. اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) پرسیدند: ای رسول گرامی! ما را از ذبح قربانی چه می‌رسد؟ وی در پاسخ فرمود: در قبال هر مویی، به شما یک نیکی می‌رسد. گفتند: پس پشم یا رسول الله صلی الله علیه و سلم! (یعنی اگر حیوان قربانی عوض مو، پشم بر بدن داشته باشد مانند برّه) آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: در قبال هر پشمی

به شما یک نیکی می‌رسد».

به هر حال ذبح قربانی جهت زنده کردن یادگار ابراهیمی از قرآن و حدیث ثابت است و بر مشروعیت آن تمام امت مسلمه اتفاق دارند. چون قربانی یکی از شعائر اسلام، و مسایل آن مورد لزوم تمام مسلمانان جهان است، و به زبان فارسی رساله‌ای که شامل واقعات تاریخی قربانی و مسایل آن باشد ندیده بودم به ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی تاریخ قربانی مفتی اعظم پاکستان حضرت مولانا محمد شفیع رحمه الله اقدام نمودم.

حضرت مولانا در این رساله، حقیقت و اهمیت، فواید و فضایل و مسایل قربان را به طور واضح بیان نموده است. خواننده بعد از مطالعه‌ی این رساله از حقیقت قربانی اطلاع یافته، از مسایل زیادی برخوردار خواهد شد. در پایان از خداوند متعال خواستارم این خدمت ناچیز را به بارگاه خویش بپذیرد.

محمد امین حسین بر

از

حوزه‌ی علمی‌ی اشاعت التوحید سراوان ۶/۳/۴۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ قربانی

و

حقیقت و اهمیت آن

لفظ قربانی مشتق از قربان بر وزن قرآن، به چیزی گفته می‌شود که وسیله‌ی تقرّب الی الله باشد، خواه ذبیحه حیوان باشد یا عموم صدقات دیگر. ابوبکر جصاص معنی عامتری کرده، می‌فرماید: قربانی عبارت است از هر عمل نیکی که به قصد نزدیکی به رحمت خداوندی باشد، البته در عرف عام اطلاقش بیشتر بر حیوان مذبوحه می‌آید. این لفظ چندین جا در قرآن مجید آمده و در اکثر مواقع جانور مذبوحه، مراد است.

تاریخ قربانی:

ذبح قربانی، جهت تقرّب به خدا، وقتی آغاز گردید که حضرت آدم علیه السلام به دنیا تشریف آورد و دنیا آباد شد. نخستین بار دو فرزند حضرت آدم علیه السلام یعنی «هابیل» و «قابیل» قربانی عرضه داشتند. چنانکه خداوند متعال واقعه‌ی آنها را در قرآن مجید ذکر کرده، می‌فرماید: «إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا»^۱. «هنگامی که هریکی از آنها قربانی پیش کرد.»

ابن کثیر رحمه الله علیه تحت عنوان این آیه از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده، می‌گوید: هابیل یک قوچ و قابیل مقداری گندم و غیره به طور قربانی تقدیم نمود؛ بر حسب دستور الهی آتشی از آسمان آمده، قربانی هابیل را سوخت و قربانی قابیل را به حال خود گذاشت.

علامت قبولیت قربانی به بارگاه الهی و عدم قبولی آن در زمان انبیای پیشین این بود که آتشی از آسمان آمده، قربانی مقبول را می‌سوخت و آن که مورد پسند خداوند نمی‌بود برقرار می‌گذاشت.

در آن زمان اگر مال غنیمتی از راه جهاد، به دست مسلمین می افتاد آن را نیز آتش آسمانی می سوخت و این علامت قبول شدنش بود. این یکی از نعمت های خداوند است که بر امت محمد (صلی الله علیه و سلم) گوشت قربانی و مال غنیمت حلال کرده شد. روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) بعد از این که فضایل و نعمت های خداوند را بر خود ذکر نمود، فرمود:

«وَأُحِلَّتْ لِيَ الْغَنَائِمُ» یعنی برای من مال غنیمت حلال گردانیده شده است. در زمان آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) چون عده ای از مردم اسلام را نمی پذیرفتند، عذر پیش کرده، می گفتند: یکی از علامت های نبوت انبیای پیشین این بود که آتشی از آسمان آمده، قربانی های آنها را می سوخت. لذا ما هم به شما هرگز ایمان نخواهیم آورد تا مادامی که چنین حالتی برای شما ظاهر نگردد. خداوند متعال این عذر بی جای آنها را چنین جواب می دهد: اگر راست می گوید پس چرا به همان انبیایی که قربانی های آنها را آتش می سوخت ایمان نیاوردید و آنها را تکذیب کردید؟ علاوه بر تکذیب، از کشتن آنها هم دریغ

نورزیدید. از این همه مکر و حيله معلوم می شود که اراده‌ی پذیرفتن ندارید.^۱

از عبارت فوق چنین معلوم می گردد که قربانی از زمان حضرت آدم، عبادت و وسیله‌ی تقرب به خداوند قرار گرفته بود. نیز معلوم می شود که علامت قبول شدن قربانی در زمان انبیای پیشین چنین بود که آتشی از آسمان آمده، آن را نابود می ساخت.

واقعه‌ی عظیم الشان قربانی و سنت ابراهیمی علیه السلام

مشروعیت قربانی به منظور عبادت اگرچه از زمان حضرت آدم (علیه السلام) می باشد اما شأن خاص آن از واقعه‌ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) سرچشمه می گیرد و به سبب زنده کردن یادگارش، قربانی در شریعت محمدی (صلی الله علیه و سلم) واجب شد. ذبح قربانی یادگاری بی نظیر در تاریخ اسلامی می باشد خداوند متعال آن را در سوره‌ی صافات مفصلاً بیان فرموده است. این واقعه‌ی تاریخی برای درک حقیقت قربانی،

۱- این مضمون در آیه ۱۸۳ آل عمران مذکور است.

عطفی عظیم و پراہمیت بہ شمار می رود.

دعوت حق:

ہنگامی کہ ابوالانبیاء، حضرت ابراہیم (علیہ السلام)، با فریضہی پیغمبرانہ و دعوت حق قیام کرد نخستین بار از پدرش آذر آغاز نمود. چنانکہ با ملحوظ داشتن آداب پدری، او را بہ ترک پرستش بتہا دعوت داد اما عوض این کہ او دعوت حضرت ابراہیم (علیہ السلام) را قبول کند، او را تہدید بہ سنگسار و اخراج از منزل کرد. چنان کہ قرآن نقل قول آن ہا را کردہ است، آذر در جواب حضرت ابراہیم (علیہ السلام) گفت: لَا زُجْمَتَّكَ وَ اَهْجُرْنِي مَلِيًّا.^۱ نتیجہی دعوت وی چنین شد کہ پدر و تمام قوم مخالف او شدند.

دشمنی قوم و انجامش:

این ظالمان غافل از خدا، جشنی گرفتہ، حضرت ابراہیم (علیہ السلام) را در آتش انداختند. ہنگام انداختن در آتش، حضرت جبرئیل امین تشریف

آورده، فرمود: اگر نیازی به نصرت و یاری من داری حاضر به خدمتم؟ وی در پاسخ فرمود: نیازی به نصرت و یاری شما ندارم، آن ذاتی که به خاطر او در آتش انداخته می شوم در باره‌ی من علیم و خبیر است، هر چه برایم تجویز نماید به آن راضی هستم.

به جرم عشق توام می‌کشند و غوغائیست

تو نیز بیا بر سر بام که خوش تماشا ئیست

هجرت از عراق:

وقتی که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در آتش انداخته شد خداوند متعال به آتش دستور «بَرْدًا وَ سَلَامًا» (سردی و سلامتی) داد، چنان‌که شعله‌ی آتش فوراً به گلستانی مبدّل گشت.

چون مردم، این معجزه‌ی عینی او را مشاهده نمودند، عوض این‌که بدست او ایمان آورند، بر دشمنی آن‌ها افزوده شد. هنگامی که مادر، پدر، تمام خویشاوندان و وطن خود را از خدا بیگانه یافت جهت ترک دیار، تصمیم قطعی گرفت.

هزار خویش که بیگانه از خدا باشد

فدای یک تن بیگانه که آشنا باشد

چنانکه فرمود: **إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدَيْنِ**^۱: همانا من به سوی پروردگارم رونده‌ام، البته او به همان راهی هدایت‌م خواهد فرمود که نزدش پسندیده باشد. یعنی همان جایی می‌روم که بتوانم احکام خداوندی را به آسانی انجام دهم، بعد از آن حضرت ابراهیم (علیه السلام) همراه با حضرت لوط (علیه السلام) وطن خود (عراق) را ترک گفته، راهی فلسطین شدند. به هر حال در سنّ هشتاد و شش سالگی مادر، پدر، دوستان و تمام شهر خود را جهت رضای خداوند متعال ترک کرده، غربت را ترجیح داد.

دعای فرزند:

سپس به دربار خداوند چنین دعا فرمود: **رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ**^۲: «بارالها! مرا فرزندان صالحی که از بندگان شایسته تو باشد عطا فرما.»

۱- صافات، آیه ۹۹

۲- صافات، آیه ۱۰۰

بشارت ولادت حضرت اسماعیل (علیه السلام):

خداوند متعال این دعای او را اجابت فرمود و او را به پسر نیک و صالح بشارت داد، چنان که می فرماید: **فَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ**^۱: «ما حضرت ابراهیم (علیه السلام) را به پسر حلیم بشارت دادیم.» از اشارات قرآنی و احادیث نبوی چنین معلوم می گردد که مراد از غلام حلیم حضرت اسماعیل (علیه السلام) می باشد. در روایات اهل کتاب آمده که حضرت اسماعیل، نخستین پسر حضرت ابراهیم (علیه السلام)، زمانی چشم به دنیا گشود که حضرت ابراهیم هشتاد و شش سال سن داشت. در کتب آن ها این نیز مذکور است که حضرت ابراهیم نخستین پسر خود یعنی حضرت اسماعیل (علیه السلام) را ذبح کرد. و بر حسب روایات آن ها دوّمین پسرش یعنی حضرت اسحاق (علیه السلام) هنگامی دیده به جهان گشود که وی نود و نه سال سن داشت.

خداوند متعال که حضرت اسماعیل را به «غلام حلیم» یاد کرد، به صفتی خاص اشاره فرمود که آن صفت به وقت دستور قربانی ظاهر شد. زیرا حلیم، به

معنی بردبار است یعنی کسی که به وقت مشقت و مصیبت، پریشان و هراسان نشود.

امتحان سخت و دومین هجرت به سوی حجاز:

حضرت اسماعیل که یگانه فرزند حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود و بعد از دعاها و تمناها حاصل شده بود سرانجام بزرگترین آزمایش برای حضرت ابراهیم (علیه السلام) قرار گرفت.

چنانکه بعد از ولادت اسماعیل (علیه السلام) به حضرت ابراهیم (علیه السلام) دستور داده شد که پسرش را به همراه مادرش (هاجره) از سرزمین شام برداشته، به سرزمین صاف و هموار و ریگستان بسیار گرم حجاز که در آن جا نه نام و نشان انسانی، و نه درخت و حیوانی وجود دارد برده، آن جا متوطن گرداند. چنانکه حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر حسب دستور خداوند متعال به همراه همسرش هاجر (سلام الله علیها) و پسر شیرخوارش اسماعیل (علیه السلام) راهی آن میدان هلاکت خیز گردید. هدف خداوند متعال از این دستور این بود که آن سرزمین بی آب و گیاه توسط او مبدل به

مکه معظمه و امّ القری گردد.

چون آن جا رسیدند حضرت ابراهیم (علیه السلام) دوباره مأمور شد که زن و فرزندش را آنجا گذاشته و خودش دوباره عازم شام شود. چنان که حضرت ابراهیم (علیه السلام) بدون تأمل، حتی بدون تسلی خاطر زن و فرزند، مجدداً راهی شام گردید. چون هاجره (سلام الله علیها) دید که حضرت ابراهیم علیه السلام بدون هیچ صحبتی دوباره برگشت، به او گفت: ما را در این سرزمین بی آب و گیاه گذاشته، کجا می روی؟ حضرت خلیل الله (علیه السلام) به این گفته ی او التفاتی نکرد و به رفتنش ادامه داد. آن وقت هاجره (سلام الله علیها) با خود گفت: وی بنده ی برگزیده ی خداوند متعال است و بدون امر خداوند کاری انجام نمی دهد. همانا خداوند متعال به او چنین دستور داده است. چنان که از او پرسید: آیا خدا به شما دستور مراجعت داده؟ وی در جواب فرمود: آری. حضرت هاجره (سلام الله علیها) به محض شنیدن گفت: «اذن لا یضیعنا» اگر از خدا مأموریت مراجعت داده شده ای پس او ما را از بین نمی برد.

قصه ی این که آن ها در آن سرزمین وحشتناک

چگونه زندگی می‌کردند طولانی است. در حقیقت زندگی آن‌ها در آن سرزمین بی آب و گیاه مظهری عجیب از قدرت خداوندی و درس عبرتی برای جهانیان می‌باشد. چون تفصیل این واقعه ربطی به قربانی ندارد، فقط به بحث قربانی می‌پردازیم.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى»^۱: چون حضرت اسماعیل به سنّی رسید که همراه پدرش برود و در کارها معین و مددگارش باشد، حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: ای فرزند عزیزم! من در عالم خواب می‌بینم که تو را قربانی می‌کنم، نظر تو در این باره چیست؟ آیا حاضری به فرمان خدا عمل کنی یا خیر؟ چون خواب انبیا مانند وحی است ذبح کردن در خواب هم مرادف حکم ذبح است.

بعد از این که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از جانب خداوند متعال مأمور به این کار شد، نه نیازی به مشورت داشت و نه چنین خیالی در دلش پیدا شد، بلکه فقط مشورتش به سبب امور ذیل بود:

(۱) این که بداند پسر ارجمندش تا چه اندازه عزم و همت و انگیزه‌ی اطاعت از خداوند را دارد.

(۲) این که اگر در این امر اطاعت کند موجب ثواب خواهد بود زیرا اعتبار و ماحصل ثواب به قصد و نیت است.

(۳) این که هنگام ذبح از شفقت پدری و اضطراب طبعی مطمئن باشد^۱ حسب روایات تاریخی، حضرت اسماعیل (علیه السلام) آن وقت نه ساله بود.

چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) با پسر سعادت‌مند خویش درباره‌ی ذبحش مشورت کرد، وی فوراً در پاسخ فرمود: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»^۲: «ای پدر! هر مأموریتی که از جانب خدا داری انجام ده، انشاءالله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت.»

هم‌چنان که ذبح فرزند برای حضرت ابراهیم (علیه السلام) امتحانی بسیار سخت بود، اطاعت پدر جهت درگذشتن از حق حیات هم برای حضرت

۱- روح البیان

۲- صافات، آیه ۱۰۲

اسماعیل (علیه السلام) امتحانی بسیار مشکل بود. اما چون خداوند متعال این خاندان را برای خود انتخاب فرموده بود، در هر نوع امتحان کامیاب می شدند.

انگیزه‌ی اطاعت حضرت اسماعیل (علیه السلام) قابل توجه است که وی بر عزم و اراده و همت خود تکیه نکرد بلکه این را هم به مشیت خداوند متعال مربوط ساخت. نگفت صبر می‌کنم بلکه فرمود: اگر خواست خدا باشد مرا از صبر کنندگان خواهی یافت که یک نوع تواضع و فروتنی است یعنی صبر و استقلال تنها کمال من نیست بلکه خداوند هزارها بنده‌ی صابر دارد و من، یکی از آن‌ها هستم. بر اثر برکت همین تفویض و تواضع بود که در آن مقام بسیار سخت کامیاب شد. خلاصه این که پدر و پسر هر نوع تقاضای مادی و امید زندگانی را پشت سر گذاشته، راهی کشتارگاه شدند.

مکرهای شیطان:

چون شیطان دید که پدر و پسر جهت اطاعت حکم خداوندی راهی کشتارگاه شدند با وجود این که

می دانست حضرت ابرهیم (علیه السلام) مانند کوهی پابرجا استقامت دارد اما باز هم از تدبیرهای خود دست برنداشت. چنانکه نخستین بار به عنوان شخصی خیرخواه پیش مادر حضرت اسماعیل رفت و گفت: اسماعیل کجا رفته؟ مادرش در جواب فرمود: جهت جمع آوری هیزم با پدرش به بیابان رفته است. شیطان گفت: تو از حقیقت امر اطلاع نداری، پدرش او را برای ذبح کردن برده. حضرت هاجر (سلام الله علیها) متعجبانه فرمود: آیا هیچ پدری پسر خود را ذبح می کند؟ شیطان در جواب گفت: او می گوید من از طرف خدا مأمورم که اسماعیل (علیه السلام) را ذبح کنم. حضرت هاجر (سلام الله علیها) فوراً جوابی به شیطان داد که مناسب حال اهل خلیل الله بود. چنانکه فرمود: اگر موضوع از این قرار است که تو می گویی که خداوند متعال او را دستور به ذبح داده، پس دستور خداوند باید اجرا شود.

چون شیطان از مادر مایوس شد، پدر و پسر را که راهی منی بودند تعقیب کرد و نخست به صورت دوستی صمیمی با حضرت ابراهیم (علیه السلام) ملاقات

نمود و خواست او را از این اراده‌اش باز دارد اما وی با فراستی که داشت او را شناخت. چون این حیلۀ او خنثی گردید از مکر دیگر کار گرفته، خود را به صورت جثه‌ای بزرگ نزدیک جمره‌ی عقبه بر سر راه حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) انداخت. فرشته‌ای که با او همراه بود فرمود: این شیطان است او را با سنگ بزن. حضرت ابراهیم هفت سنگریزه برداشت و بر هر سنگریزه «الله اکبر» گفته، به طرف شیطان پرتاب می‌کرد تا این که شیطان از آن جا فرار کرد و قریب جمره الوسطی سنگر گرفت. چون حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) آن جا رسید آن جا هم هفت سنگریزه برداشته، بر او زد تا این که از آن جا هم غائب شد و قریب جمره الاولی ظاهر شد. حضرت خلیل الله (علیه‌السلام) در این مقام نیز همان عمل قبلی را انجام داد و خود را از شر او محفوظ نگه داشت. آن پدر و پسر راه خود را ادامه دادند تا این که به کشتارگاه رسیدند. این واقعه در روح المعانی به روایت قتاده و در ابن کثیر (که اکثرش به روایت ابن عباس می‌باشد) به حواله‌ی مسند احمد منقول است. «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهٗ

لِلْجَبِّينِ» یعنی چون پدر و پسر هر دو برای این قربانی عظیم آماده شدند و پدر فرزند را جهت کشتن بر روی درافکند (به شکم خواباند). این نوع انداختن از یک طرف تواضع و از یک طرف حکمتی بود که نشاید چهره‌ی فرزند سعادتمند به چشم او خورد و لغزش غیراختیاری صادر شود. در برخی روایات آمده که حضرت ابراهیم (علیه السلام) جهت اجرای حکم خداوندی و قربانی پسر ارجمندش با نهایت قوّت کارد را فشار داد اما قدرت خداوند متعال حایل و مانع عمل او شد.

در بعضی روایات آمده که آن وقت حضرت اسماعیل (علیه السلام) فرمود: ای پدر! شما پارچه‌ای برای کفن کردنم ندارید، لذا پیراهنی که بر تن دارم تمیز و سفید است، بهتر است این را بیرون کنید تا هنگام کفن کردنم به کار آید. چون پدر مشغول بیرون کردن پیراهن شد ندای غیبی آمده، این حکم را منسوخ کرد.

قربانی قوچ به جای حضرت اسماعیل (علیه السلام):

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ. قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا^۱ یعنی ما آن وقت خطاب کردیم که ای ابراهیم (علیه السلام)! تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی و فوراً قوچی جهت ذبح شدن به جای حضرت اسماعیل (علیه السلام) فرستاده شد. چنانکه خداوند متعال می فرماید: «وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»^۲ یعنی برایش گوسفندی فرستاده، و ذبح بزرگی فدا ساختیم. عظیم به این سبب گفته شد که این فدیة پیغمبری عظیم الشان بود یا به این سبب که قربانی تا قیام قیامت قانون الهی گردید. (روح) به هر حال خداوند متعال قوچ را قربانی قرار داد و پدر و پسر بسیار خوش حال شدند.

این جا سؤالی مطرح می شود که حکمت این که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به جای بیداری در خواب دستور داده شد که فرزند ارجمند خود را ذبح کند چه بود؟

جواب این که، هدف اصلی ذبح نبود بلکه امتحان

۱ - صافات، آیه ۱۰۴ و ۱۰۵

۲ - صافات، آیه ۱۰۷

گرفتن از آن دو تا بزرگوار بود زیرا صریحاً امر به ذبح نشده بود بلکه در خواب دید که فرزند خود را قربانی می‌کند. چنانکه هنگامی که کار خود را انجام داد و در سخت‌ترین امتحان کامیاب شد، جهت اجرای حکم به وسیله‌ی ندای غیبی خوش‌خبری داده شد که ای ابراهیم! مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی. حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در خواب ندیده بود که پسرش را ذبح کرده، بلکه در خواب دید که دارد آماده‌گیری ذبح می‌گیرد که بعداً خوابش تعبیر شد و به انجام رسید.

در تفسیر روح‌البیان آمده: امکان دارد حضرت اسماعیل در خواب به شکل قوچی نشان داده شود مانند علم که در خواب به شکل شیر نشان داده می‌شود زیرا بین حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) و قوچ تناسب معنوی (فرمانبرداری) موجود بود. و هم‌چنان که حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) فرمانبردار بود قوچ هم به وقت ذبح مطیع و فرمانبردار می‌باشد و منشأ تخلیقش هم همین است که ذبح گردد و خورده شود. به خلاف گاو و شتر که سبب اصلی پیدایش آن‌ها سواری و باربرداری و کار گرفتن است و نسبت به قوچ کمتر برای مصرف

گوشت ذبح می شوند.

خلاصه این که هدف اصلی، ذبح قوچ بود اما به سبب امتحان و آزمایش قوچ به شکل حضرت اسماعیل (علیه السلام) نشان داده شد و ذهن حضرت ابراهیم (علیه السلام) به تعبیر اصلی این خواب ملتفت نشد تا این که امتحان و آزمایش به انجام رسید.

ابن کثیر به روایت ابن عباس (رضی الله عنه) نقل کرده که سر و شاخ های آن قوچ تا ظهور اسلام در میزاب بیت الله معلق بودند که اولاد اسماعیل (علیه السلام) یعنی قریش مکه آن ها را به طور یادگار محفوظ نگه داشته بودند. برخی بر آنند که این سر و شاخ ها تا خلافت حضرت عبدالله بن زبیر موجود بودند و به وقت فتنه ی حجاج چون بیت الله طعمه ی آتش گشت آن ها نیز همان جا سوختند.

این جا سؤالی پیش می آید که قبل از آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) دستور این بود که آتشی از آسمان آمده، قربانی ها را می سوخت پس سر و شاخ این قوچ چطور صحیح و سالم باقی ماندند؟ جواب این که: در تفسیر روح البیان آمده چون بنی اسرائیل

قربانی ذبح می کردند گوشت های عمده آن را جدا کرده، و می گذاشتند تا این که آتشی از آسمان آمده و آن ها را می سوخت. از این روایت چنین معلوم می شود که فقط گوشت عمده ی آن سوخته می شد، لذا باقی ماندن سر و شاخ مستبعد نیست.

این سخت ترین و غالباً آخرین امتحان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود که در آن مانند کوهی ثابت قدم باقی ماند، وی قبلاً تمام اقوام و خویشاوندان، و شهر و مکان، و مال و ثروت خود را جهت رضای خدا قربان کرده بود. حتی جان خود را نیز برای قربانی عرضه داشته بود. قربانی فرزند یگانه ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) این قول او را ثابت گردانید که همانا موت و حیاتم برای خدا هستند.

یادگار ابراهیمی:

خداوند متعال اعمال حضرت ابراهیم (علیه السلام) را پسندید و برای زنده کردن یادگار او، تمام اعمالش را از محبوب ترین عبادات قرار داد و انجام شان را واجب گردانید، مانند زدن سنگریزه به جمرات ثلاثه و ...

و قربانی بر عموم مسلمین خصوصاً برای حجاج کرام لازم گردانیده شد که جهت زنده کردن یادگار حضرت ابراهیم (علیه السلام) حتماً باید حیوانی ذبح کنند. حضرت خلیل الله (علیه السلام) به جای خود، خداوند متعال اعمال حضرت هاجره (سلام الله علیها) را نیز جزء شعائر اسلامی قرار داد. چنانکه برای هر حاجی سعی بین صفا و مروه، و طواف هفت گانه واجب قرار داده شد.

در حدیثی آمده که چون اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) از رسول الله (صلی الله علیه و سلم) درباره حقیقت قربانی سؤال کردند وی در جواب فرمود: قربانی سنت و یادگار جدّتان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می باشد، اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) گفتند: آیا از این قربانی ما را هم ثوابی می رسد؟ آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) فرمود: آری، عوض هر مویی از حیوان قربانی در اعمالنامه ی تان یک نیکو نوشته می شود (مشکوّة).

یادگارهای اسلامی:

عادت دیرینه ی مردم است که جهت زنده کردن کارنامه های بزرگان خود یادگارهایی بنا می کنند، و این

یادگاراها عموماً مجسمه یا عمارت می باشند، این نوع تعمیرات اگرچه اعزازی برای انجام دهنده‌ی کارنامه قرار می گیرد و آثار آن هم تا مدتی باقی می ماند اما روح اصلی بناکننده‌ی یادگار، از این زنده نخواهد شد. از این جهت است که اسلام رسم‌های قدیم مانند مجسمه‌ها و بناهای یادگاری را ترک گفته و انجام و تکرار اعمال حضرت ابراهیم (علیه السلام) را عبادت و بر مردم واجب قرار داد. از انجام آن اعمال نه تنها یاد آن‌ها تازه می شود بلکه انگیزه‌ی آن عمل، در دلها نیز تأثیر می گذارد.

عمارت‌ها و مجسمه‌ها هر چه مضبوط و مستحکم باشند اما باز هم شکار حوادث خواهند شد. البته انجام این یادگاراها که بر امت محمد (صلی الله علیه و سلم) عملاً واجب و لازم گشته و احکام آن‌ها در قرآن و سنت محفوظ است تا قیام قیامت ثابت و جاری خواهند ماند. و در هر عصر و زمان این فعل خلیل الهی چنین درس می دهد که اگر انسان تمام مال و جان خود را در راه خدا قربانی کند باز هم از حق عبودیت سبکدوش نخواهد شد.

حقیقت قربانی:

چون معلوم شد که قربانی حیوانات که هر سال بر مسلمین جهان لازم می‌باشد از جمله یادگارهای ابراهیمی است. این نیز به طور واضح معلوم می‌گردد که اگر شخصی قیمت حیوان قربانی را صدقه نماید یا در راهی دیگر مصرف کند قربانیش جائز نمی‌شود هم‌چنان که عوض روزه، نماز، یا به جای نماز، روزه، و عوض حج، زکوة، یا به جای زکوة حج، ادا نمی‌شود عوض قربانی هم صدقه پذیرفته نمی‌شود.

حجاج و غیرحجاج در مسأله‌ی قربانی مساوی هستند:
 سنت‌های ابراهیمی که متعلق به مقامات خاص‌اند مانند پرتاب سنگریزه به جمرات ثلاثه در منی، و سعی بین صفا و مروه، و طواف هفت‌گانه مخصوص حجاج‌اند. اما آنچه تعلق به آن جاهای خاص ندارد، و هر کس هر جا می‌تواند انجام دهد (مثلاً ذبح قربانی) بر تمام امت مسلمة واجب است زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) و تمام اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) و تابعین عظام رحمهم الله و مسلمانان روی

زمین، در هر خطه، در هر شهر و هر جا این حکم را اجرا کرده‌اند. ذبح قربانی نه تنها از واجبات است بلکه از جمله شعائر اسلامی نیز به شمار می‌رود چنانکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: **وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ**^۱ شتران قربانی را برای شما از شعائر خدا ساخته‌ایم. مراد از شعائر الله شعائر دین خداست. البته آن قربانی که در مقام خاص یعنی در منی ذبح کرده می‌شود افضل‌تر و موجب ثواب و برکات بیشتری است. از این جهت بود که آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) در آخرین حج خود در میدان منی صد شتر قربانی کرد که شصت و سه عدد آن‌ها را به دست مبارک خود نحر (ذبح) فرمود و باقی مانده را جهت نحر به حضرت علی (رضی الله عنه) سپرد^۲.

این عمل رسول الله (صلی الله علیه و سلم) که صد شتر را یک‌جا در میدان منی قربانی (ذبح) کرد دلیل بر این است که قربانی کردن در منی دارای ثواب بیشتری می‌باشد. وگرنه عادت مبارک آن حضرت (صلی الله

۱- حج، آیه ۳۶

۲- صحیح مسلم

علیه و سلّم) در مدینه منوره این بود که هر سال فقط دو قوچ قربانی می‌کرد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) می‌فرماید: رسول الله (صلی الله علیه و سلّم) مدت ده سال در مدینه منوره سکونت نمود، و در تمام این ده سال قربانی می‌کرد.^۱ حتی به وقت سفر هم قربانی را ترک نمی‌فرمود.

حضرت عبدالله بن زبیر (رضی الله عنه) می‌فرماید: در سفری با پیامبر (صلی الله علیه و سلّم) همراه بودم (ناگاه وقت قربانی فرا رسید) آن وقت هر هفت نفر از ما گاو ذبح کردند.^۲

در حدیثی دیگر آمده که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلّم) فرمود: در ایام قربانی هیچ عملی از انسان نزد خدا محبوبتر از قربانی نیست.^۳ اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) می‌فرمایند: ما در مدینه طیبه قربانی‌های خود را خیلی فربه می‌کردیم، و عموم مسلمین نیز همچنین بودند.^۴

۱ - ترمذی

۲ - نسائی و ابن ماجه

۳ - ترمذی و ابن ماجه

۴ - صحیح بخاری، کتاب الاضحیه

رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) عادت داشت که در مدینه‌ی طیبه بعد از ادای نماز عید همان‌جا در عیدگاه قربانی می‌کرد. تا عموم مسلمین از حکم شرعی قربانی اطلاع یافته، و آدابش را یاد بگیرند. و تا این مسأله هم بر مردم واضح گردد که قبل از نماز عید ذبح قربانی جایز نیست.

حضرت عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) می‌فرماید: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذْبَحُ وَيَنْحَرُ بِالْمُضَلَّى^۱ یعنی آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) در عیدگاه قربانی می‌کرد، و غالباً سبیش هم این بود که در قرآن مجید در سوره کوثر آمده: فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. یعنی «قبلاً برای پروردگارت نماز بخوان و بعد از آن، قربانی ذبح کن.»

ابن کثیر (رحمه الله) از مفسرین صحابه (رضوان الله علیهم اجمعین) و تابعین (رحمهم الله) امثال حضرت عبدالله بن عباس، عطاء، مجاهد، عکرمه و حسن بصری روایت کرده که لفظ «وَانْحَرْ» به معنی قربانی است.^۲

۱ - بخاری

۲ - ابن کثیر

حضرت عکرمه (رضی الله عنه)، عطاء، و قتاده می‌فرمایند: از «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» نماز عید و از «وَأُخِّرْ» قربانی مراد است^۱.

خلاصه این که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) حسب آیه‌ی قرآنی نماز عید و قربانی را بر امت لازم و واجب گردانید خواه در مکه باشند یا در مدینه یا در جایی دیگر. همچنین به اشاره‌ی قرآن نماز عید را مقدّم و ذبح قربانی را مؤخّر گردانید.

حضرت براء بن عازب (رضی الله عنه) می‌فرماید: یک دفعه رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) در روز عید الاضحی در مدینه‌ی منوره با اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) به جنت البقیع تشریف برد، نخست در میدانی نماز عید خواندند، سپس به مردم خطاب کرده، فرمود: امروز نخستین کار ما ادای نماز عید است (که خوانده شد) و بعد از آن ذبح قربانی، کسی که حسب این دستور عمل کند او به سنت و روش ما عمل کرده و کسی که قبل از نماز، قربانی خود را ذبح کند قربانیش جایز نمی‌باشد. چنین ذبح، قربانی شمرده

نمی‌شود و به چنین قربانی کننده هم ثواب نمی‌رسد^۱. باید بعد از نماز قربانی دیگری ذبح کند. در احکام القرآن آمده که این واقعه قریب بقیع غرقد پیش آمد.

از آیه‌ی مذکوره قرآن مجید و روایت حدیث و عمل اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) صراحتاً معلوم می‌گردد که قربانی از زمان حضرت آدم (علیه السلام) به عنوان عبادت، ذبح می‌شد، اما ذبح آن، جهت یادگار در روزهای معین عیدالاضحی از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) جاری شد و نصوص قرآنی و احادیث نبوی هم آن را یکی از واجبات مهم اسلامی قرار دادند که در هر خطّه و هر زمان انجام این حکم ضروری است. رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) همیشه در مدینه‌ی طیبّه قربانی ذبح می‌فرمود. افرادی که می‌گویند قربانی مختصّ اهل مکه می‌باشد و آن هم عبادت نیست بلکه مهمانی حجّاج است، نه تنها مخالف قرآن و حدیث، بلکه مخالف تمام شرائع انبیای کرام هستند. و قولشان مبنی بر جهل و ناآگاهی است، چنین افراد باید بدانند که هدف از قربانی مهمانی حجّاج

نیست، وگرنه ذبحش قبل از نماز عید و بعد از دوازدهم نیز جایز بوده و شرایط سنّ و سال و غیره در آن مطرح نمی‌شد.

علاوه بر آن، آیا مهمان تنها نیاز به گوشت دارد؟ چیزی دیگر لازم ندارد؟ اگر هدف از قربانی، مهمانی حجاج می‌بود، آماده کردن اشیاء دیگر هم لازم می‌شد، پس معلوم می‌گردد که چنین نیست، زیرا رسول‌الله (صلی الله علیه و سلم) با اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) با وجودی که در مدینه‌ی طیبّه بودند باز هم هر سال قربانی می‌کشتند، پس دلیل پیش کردن به این‌که قربانی برای مهمانی بوده، کمال نادانی و قولی بی‌اساس است.

سؤال اقتصادی:

چون انسان از معنویات غافل و در خواهشات و مادیات مستغرق و مدّ نظرش تنها دنیا باشد، قدرت کامله و نظام عجیب و غریب خداوندی از چشم‌هایش محو می‌گردد و تمام عبادات را مانند رسوم بی‌جان تصوّر می‌کند و مسأله‌ی قربانی را از مشکل‌ترین مسائل

اقتصادی به شمار می‌آورد و می‌گوید: مبلغ هنگفتی که هر سال، جهت ذبح حیوانات، از مسلمانان جهان خرج می‌شود غیر از گوشت خوردن تا سه روز مفهومی دیگر ندارد، اگر این مبلغ، جهت رفاه قوم و آسایش ملت به کار برده می‌شد چه بهتر بود، اما باید دانست که نزد هیچ دانشمند و روشنفکر، شکم‌پروری و رسیدن به لذات نفسانی از اصلاح اخلاق و اعمال ملت مقدم نیست. بلکه شخص عاقل می‌گوید مسأله‌ی شکم هم همان وقتی حل می‌شود که انسان در امنیت و آرامش قرار گیرد و در او انسانیت دیده شود، و دارای اخلاق حسنه باشد و از غارتگری، مکر، فریب، دزدی و جیب‌بری، دور باشد، هم‌چنان که شخص دانشمند تعلیم و تعلم را بر ضروریات دیگر ترجیح می‌دهد امور تربیتی را نیز از ضروریات دیگر بیشتر اهمیت می‌دهد، مشاهدات و تجربیات گواه‌اند که برای روشنی اخلاق و اعمال انسان، بهترین نسخه‌ی رستگاری، رضای الهی است، انگیزه‌ی اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال همان انگیزه‌ایست که انسان را در تنهایی نیز از جرایم باز می‌دارد، و قربانی در تقویت این انگیزه، اثر خاصی دارد.

لذا فلاح و بهبود قوم و ملت در این نیست که انسان قربانی را ترک کرده و قیمت آن را در خواہشات نفسانی صرف کند بلکه فلاح حقیقی در این است که هر شخص این عمل را با شوق و محبت انجام دهد و انگیزه‌ی ایثار و قربانی در دل دیگران بکارد.

بعد از فهمیدن حقیقت قربانی کاملاً واضح شد که هدف از قربانی، گوشت خوردن و گوشت خوراندن نیست بلکه هدف اصلی انجام حکم شرعی و زنده کردن یادگار ابراهیمی و تحصیل انگیزه‌ی ایثار و قربانی است. قرآن کریم در مورد قربانی می‌فرماید: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ!». «خون و گوشت قربانی‌های شما به خدا نمی‌رسند، بلکه فقط تقوی یعنی انگیزه‌ی اطاعت شما به خدا می‌رسد.»

به هر حال هدف از قربانی، خون و گوشت نیست (حتی بر امت‌های گذشته گوشت قربانی هم حلال نبود، این یکی از خصوصیات رسول الله (صلی الله علیه و سلم) است که گوشت قربانی برای امتش حلال گردانیده شد بلکه هدف اصلی پیدا کردن انگیزه‌ی اطاعت است.

و این تصور که در اندک زمانی حیوان زیادی ذبح می‌شود و این یک نوع ضرر اقتصادی است که در زندگی مردم تاثیر می‌گذارد، و حیوانات و گوشت کمیاب می‌گردند، وقتی بر ذهن مسلط می‌گردد که انسان از قدرت کامله‌ی خالق کائنات و مشاهده‌ی نظم مستحکم وی غافل باشد.

نظام قدرت خداوندی همیشه در تمام عالم این بوده و هست که اگر اهل دنیا به چیزی بیشتر نیاز پیدا کنند خداوند متعال آن چیز را افزونتر می‌گرداند، و چون نیاز مردم به آن کم باشد آن چیز هم روز به روز کمتر می‌شود مانند آب چاه که اگر کشیده شود روز به روز بیشتر، و گرنه چشمه‌هایش مسدود شده، و سرانجام آبش خشک می‌گردد.

اگر زمان گذشته را مورد دقت قرار دهیم متوجه می‌شویم که آن وقت مردم، بیشتر قربانی ذبح می‌کردند زیرا هم چنان که امروزه در نماز و روزه و حج و غیره سستی و کسالت آمده در مسأله‌ی قربانی نیز سستی مردم به انتها رسیده است. در قرن اول اسلام، حالت مسلمین چنین بود که یک نفر صد تا شتر یک جا قربانی

می‌کرد چنانکه یک دفعه رسول الله (صلی الله علیه و سلم) هم صد شتر یک‌جا در میدان منی قربانی (ذبح) کرد. با وجود کثرت قربانی باز هم در هیچ زمانی در هیچ جا این شکوه پیش نیامده که حیوان قربانی نایاب یا از لحاظ قیمت، بسیار گران باشد.

در این زمان که اغلب مردم در عبادات چون نماز و روزه و غیره غفلت می‌ورزند صدها هزار انسان یافته می‌شود که بر آن‌ها قربانی واجب است اما قربانی ذبح نمی‌کنند. اگر شخصی مدعی شود که کمبود حیوان به خاطر این است که در عید الاضحی قربانی می‌شوند نه تنها واقعیت ندارد بلکه دروغ محض است زیرا در این عصر، کشورهایی وجود دارد که مردم آن‌ها اصلاً قربانی ذبح نمی‌کنند اما باز هم گوشت در آن کشورها نسبت به کشورهای که در آن‌ها قربانی ذبح می‌شوند کمیاب‌تر و گرانتر است.

اگر می‌خواهید این موضوع را تحقیق کنید اهل شهری را در یک سال از قربانی باز داشته و بعد از آن ببینید از نظر اقتصادی چه اثر سودمندی به اهل آن شهر می‌رسد و چه اندازه نرخ گوشت و شیر و روغن پایین

می آید؟ اما هیچ مملکت اسلامی به این امتحان حاضر نخواهد شد. حالا به عنوان مثال کشور هندوستان را نگاه کنید که قربانی گاو در آن جا ممنوع است اما با این وصف آیا کسی چنین دیده که گاوها به سبب کثرت در کوچه ها و خیابان ها بگردند؟ یا به سبب کثرت گاو، شیرها در جوی ها جاری، یا حداقل روغن ارزان باشد؟ خیر، همین هندوستان قبل از استقلال پاکستان دارای صد میلیون مسلمان بود که هر سال آن ها قربانی می کردند و انگلیسی ها هم روزانه صدها گاو ذبح می کردند اما باز هم آن وقت نرخ گوشت و شیر از امروز ارزان تر و تعداد گاوها بیشتر بود.

اگر کشتن گاو تا چندین سال در هندوستان کلاً ممنوع قرار داده شود احتمال دارد بعد از گذشت زمانی گاو در آن جا بسیار کمیاب باشد.

خوانندگان محترم! چندین سال قبل که اسب وسیله ی سفر و جهاد بود، به کثرت وجود داشت اما امروزه که جای آن ها را موتورسیکلت، ماشین ها و هواپیماها گرفته اند و نسبت به گذشته خیلی کمتر از آن ها استفاده می شود، تعدادشان بیشتر و نرخشان ارزانتر

شده؟ یا برعکس تعدادشان به سبب عدم نیاز مردم کمتر و قیمتشان گرانتر شده؟

باید دانست که انتظام خداوندی از فهم و درک و حکمت انسانی بالاتر است. ای کاش که مسلمین جهان در حقیقت قربانی می‌اندیشیدند و قربانی را یک رسم عیدی نمی‌پنداشتند، بلکه آن را سنت ابراهیمی می‌دانستند، تا این که قوت در ایمان و عملشان بوجود آمده و برکات اخلاص را به چشم خود مشاهده می‌نمودند. هم‌چنان که در هر عبادتی علاوه بر ثواب، اثرات خاص دیگری نیز به ودیعت نهاده شده (مانند تواضع و فروتنی در نماز، پاک شدن قلب از حب مال در زکات و ازدیاد محبت خداوندی از روزه و حج) در قربانی هم قوت ایمان و اخلاق و عزم و همت در اعمال به ودیعت نهاده شده است.

والله المستعان

احکام عیدالاضحی و قربانی

فضایل دهی اوّل ذی الحجّه:

رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: بهترین زمان جهت عبادت خداوندی، دهی اوّل ذی الحجّه می باشد که یک روز، روزه گرفتن به منزله ی یک سال و یک شب عبادت کردن به اندازه ی شب قدر، ثواب دارد.^۱

خداوند متعال در قرآن مجید در سوره والفجر به این ده شب قسم یاد می کند و اکثر علما بر آنند که مراد از این ده شب، دهی اوّل ذی الحجّه می باشند خصوصاً روز نهم، یعنی روز عرفه و شبش که از تمام این ایام افضل تر می باشد. کسی که روز عرفه یعنی روز نهم ذی الحجّه را روزه گیرد گناهان یکسال گذشته و یک سال آینده اش عفو خواهد شد. و شب بیداری عیدالاضحی به عبادت خداوند متعال، موجب فضیلت بزرگ و ثواب عظیم است.

تکبیر تشریق:

یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ» یک مرتبه خواندن این تکبیر، از صبح روز عرفه (نهم) تا عصر سیزدهم بعد از هر نماز فرض، واجب است و حکم جماعت و منفرد، مرد و زن یکسان است، البته زن، با صدای آهسته تکبیر گوید^۱.

توضیح: این تکبیر، با صدای متوسط مایل به بلندی گفته شود. اصلاح کسانی که در این باره غفلت می‌ورزند یا آهسته می‌خوانند ضروری است.

نماز عید:

سنن روز عیدالاضحی به شرح ذیل است:

- ۱- صبح زود بیدار شدن ۲- غسل کردن و مسواک
- ۳- پوشیدن بهترین لباسی که میسر باشد ۴-
- استعمال عطریات ۵- نخوردن و نیاشامیدن قبل از نماز
- عید ۶- خواندن تکبیر مذکور با صدای بلند هنگام رفتن به عیدگاه.

نماز عید دو رکعت است و هر رکعت آن، سه تکبیر

زوائد دارد. در رکعت اول، تکبیرات زوائد بعد از «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» قبل از قرائت و در رکعت دوم قبل از رکوع خوانده می‌شوند. در رکعت اول بعد از تکبیر اول (الله اکبر) دست‌ها بسته و «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الخ» خوانده می‌شود سپس در تکبیر دوم و سوم دست‌ها تا گوش‌ها برده و بعداً بسته می‌شوند بعد از آن، امام آغاز به خواندن قرائت می‌کند. و در رکعت دوم بعد از خواندن حمد و سوره، سه بار تکبیر گفته می‌شود و هر بار دست‌ها تا گوش‌ها برده و آزاد و باز گذاشته می‌شوند و در تکبیر چهارم بردن دست‌ها تا گوش‌ها، باید به رکوع رفت. بعد از نماز عید، گوش کردن خطبه نیز واجب است.

قربانی:

قربانی یکی از شعائر اسلام و عبادت‌های مهم می‌باشد حتی در زمان جاهلیت نیز عبادت شناخته می‌شد فقط فرق این بود که آن‌ها برای معبودانشان قربانی می‌کردند و قربانی مسلمانان، خاص برای رضای خداست. مذاهب غیر اسلامی امروزه نیز جهت زنده

کردن مراسم مذهبی خود قربانی می‌کنند چنانکه بعضی به اسم معبودان و برخی به اسم مسیح قربانی می‌دهند. خداوند متعال در سوره‌ی کوثر پیامبر خود را خطاب کرده، می‌فرماید: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» ای پیامبر! برای پروردگارت نماز بخوان و شتر نحر کن. هم‌چنان که نماز برای غیر الله جایز نیست؛ قربانی هم، جایز نیست.

در آیه‌ای دیگر همین مفهوم را به عنوان دیگر ذکر نموده و آن این‌که: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱ رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بعد از هجرت تا ده سال در مدینه‌ی منوره قیام نمودند و در تمام این ده سال، مسلسل قربانی ذبح می‌کردند از این، چنین معلوم می‌گردد که قربانی تنها مخصوص اهالی مکه نیست بلکه بر هر شخص در هر شهر بعد از وجود شرایط واجب است. چون رسول الله (صلی الله علیه و سلم) مسلمین را در این مورد بسیار تأکید می‌فرمود، بر تمام مسلمین واجد شرایط، قربانی واجب است.^۲

۱ - انعام، آیه ۱۶۲، ابن کثیر

۲ - شامی

قربانی بر چه کسی واجب می‌گردد:

قربانی بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ و مقیم که در ملکیت او ۶۱۲ گرم نقره یا مالی دیگر که قیمتش به اندازه‌ی آنها برسد و مازاد از نیاز اصلی‌شان باشد فرق نمی‌کند آن مال، طلا باشد یا نقره، زیور باشد یا مال تجاری یا اثاث منزل که بیشتر از نیاز باشند یا آن شخص دارای دو منزل باشد که یکی از آنها اضافی باشد و... واجب است^۱.

مسأله:

گذشتن سال بر کسی که صاحب نصاب باشد در مسأله‌ی قربانی شرط نیست. بر بچه و مجنون اگر چه صاحب نصاب باشند باز هم قربانی واجب نیست هم‌چنین بر سرپرست آنها لازم نیست که از طرف آنها قربانی کند بر کسی مطابق با قواعد شریعت اسلامی مسافر باشد قربانی واجب نیست^۲.

روزهای قربانی:

عبادت قربانی مختصّ به روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه می‌باشد. البته روز اوّل بهتر است؛ در غیر این سه روز، ذبح قربانی عبادت نیست.

صدقه و خیرات عوض قربانی:

اگر شخصی در ایّام قربانی، به سبب عدم آگاهی یا غفلت یا عذری که داشت نتوانست قربانی کند یا ایّام قربانی به اتمام رسید؛ بر وی واجب است که قیمت قربانی را بر فقرا و مساکین صدقه نماید اگر در ایّام قربانی، قیمت جانوری را صدقه کند قربانی وی، ادا نمی‌گردد و مرتکب جرمی عظیم شده زیرا قربانی عبادت مستقلى می‌باشد هم‌چنان که از ادای روزه، نماز، و از ادای حج، زکات ادا نمی‌شود. از اعطاء صدقه هم قربانی ادا نخواهد شد. از ارشادات و تعامل نبی اکرم (صلی الله علیه و سلّم) و اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) نیز هم چنین معلوم می‌شود.

وقت قربانی:

در شهرها و روستاهایی که نماز جمعه و عیدین جایز است قبل از نماز عید، ذبح قربانی جایز نیست اگر شخصی قبل از نماز عید قربانی کند قربانی وی جایز نمی‌گردد باید دوباره قربانی کند؛ البته جاهایی که نماز جمعه و عیدین برگزار نمی‌گردد مردم می‌توانند بعد از طلوع صبح صادق قربانی‌های خود را ذبح کنند و اگر به سبب عذری نماز عید روز اول خوانده نشد بعد از گذشتن وقت نماز عید، ذبح قربانی درست است.

مسأله:

ذبح قربانی در شب نیز جایز است اما افضل این است که در روز باشد.

حیوان قربانی:

نر بز، بز، قوچ، میش برای یک نفر و گاو، گاو میش و شتر برای هفت نفر کافی است به شرطی که همه نیت ثواب کرده باشند نه نیت گوشت خواری.

مسأله:

اگر سنّ نر بز و بز کمتر از یک سال باشد قربانی آن‌ها جایز نیست گذشتن یک سال بر آن‌ها الزامی است البته اگر برّه‌ای کمتر از یک سال سنّ داشته باشد و چنان فربه باشد که بیننده آن را یک ساله تصوّر کند قربانی آن، جائز است و باید گاو و گاو میش دو سال و شتر پنج سال کامل داشته باشد اگر سن حیوانی از آنچه ذکر شد کمتر باشد قربانی آن، جایز نیست.

مسأله:

اگر فروشنده‌ی حیوانات بگوید سال این حیوان کامل است و حالات ظاهری هم قول او را تصدیق کنند بر قول او اعتماد کردن جایز است.

مسأله:

قربانی حیوانی که از آغاز پیدایش، شاخ نداشته باشد یا داشته باشد اما از وسط شکسته باشد. جایز است البته اگر از بیخ بیرون آمده و در مغزش مؤثر شده جایز نیست.^۱

مسأله:

قربانی خصی (حیوانی که اخته باشد) جایز بلکه افضل است.^۱

مسأله:

قربانی کور، کر، و لنگ، و حیوانی که به سبب مرضی یا لاغری نتواند تا کشتارگاه رود جایز نیست.

مسأله:

قربانی حیوانی که بیشتر از یک سوّم عضوی از اعضایش مانند گوش و دم قطع گردیده جایز نیست.^۲

مسأله:

قربانی حیوان بی دندان - یا حیوانی که بیشتر دندان هایش ریخته باشد جایز نیست^۳ نیز قربانی حیوانی که از مادر زاد گوش نداشته باشد جایز نیست.

۱ - شامی

۲ - شامی

۳ - شامی، در مختار

مسأله:

اگر شخصی حیوانی را جهت قربانی، سالم خریداری کرد ولی بعداً چنان عیبی به آن لاحق گردید که مانع قربانی شد، از دو حال خالی نیست اگر کسی که این حیوان را خریده مالک نصاب نیست (که قربانی بر وی واجب گردد) قربانی همین حیوان معیوب برایش جایز است و اگر مالک نصاب است لازم است عوض حیوان معیوب، حیوان صحیح و سالمی قربانی کند^۱.

روش مسنون قربانی :

بهتر است هر شخص قربانیش را خودش ذبح کند اگر خودش روش ذبح کردن را نمی داند به دیگری امر نماید، اما بهتر این است که صاحب قربانی، وقت ذبح، حاضر باشد.

مسأله:

نیت قربانی، قلباً کافی است به زبان آوردن ضروری نیست البته هنگام ذبح، گفتن «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُ»

اکبر» الزامی است و سنت است چون حیوان قربانی جهت ذبح رو به قبله خوابانده شود این دعا خوانده شود «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». همانا گردانیدم رخ خود را به طرف آن ذاتی که شکافنده‌ی آسمان و زمین است و نیستم از مشرکین. همانا نماز، طاعت و کلیه‌ی اعمال، زندگی و موت من برای خداست که پروردگار جهان است.

و بعد از ذبح، این دعا خوانده شود «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَخَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: بار الها! این قربانی را از من قبول فرما چنانکه قربانی حبیب خود حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) و خلیل خود حضرت ابراهیم (علیه السلام) را قبول فرمودی.

گوشت قربانی:

اگر در حیوان قربانی چندین نفر سهیم است، گوشت آن را به وزن به طور مساوی تقسیم کنند نه به طور تخمین. بهتر است گوشت قربانی به سه قسمت تقسیم

شود یک قسمت برای اهل منزل و یک قسمت برای دوستان و خویشاوندان و یک قسمت به فقرا و مساکین. کسی که دارای چندین فرزند است و خودش نسبت به دیگران محتاج تر است اگر تمام گوشت قربانی را برای خود نگهدارد بدون اشکال است. فروختن گوشت قربانی مطلقاً حرام است.

دادن پوست قربانی به قصاب به عنوان دستمزد جایز نیست علاوه از گوشت و پوست قربانی، چیزی دیگر به عنوان دستمزد به قصاب داده شود.

پوست قربانی:

اگر شخصی از پوست قربانی خویش برای خود جای نماز یا دلو یا چیزی درست کرد بلامانع است لیکن اگر آن را فروخت و قیمتش را در مصرف خود درآورد ناجایز و صدقه آن واجب است باید دانست که فروختن پوست قربانی بدون نیت صدقه به هیچ وجه جایز نیست.^۱

دادن پوست قربانی به امام و مؤذن به جای حقوق

جایز نیست.

بهترین محلّ مصرف پوست قربانی، حوزه‌های علمیه می‌باشند زیرا در آن‌ها هم ثواب صدقه می‌رسد و هم بزرگترین خدمتی است برای احیای علوم دینی، البته دادن پوست قربانی به عنوان حقوق به مدرّسین و خادمین جایز نیست. واللّٰهُ الموفق والمعين.

بنده محمد شفیع عفا الله عنه

کراچی ۱۴

۲۷ ذیقعدہ سال ۱۳۸۱ هـ ق

تاریخ ترجمه: ۴۰۸/۲/۲۰ هـ ق

متفرقات:

مسألة ۱: قربانی حیوانی که گوشش طویلاً یا عرضاً شق شده، درست است.^۱

مسألة ۲: قربانی حیوانی که پستانش قطع شده یا خشک شده یا چنان معیوب است که بچه اش نمی تواند از آن شیر بمکد، جایز نیست.^۲

مسألة ۳: قربانی حیوانی که از مادر زاد یک پستان داشته باشد یا به علت بیماری یک پستانش از بین رود، یا سر پستان هایش قطع شده باشد، جایز نیست.^۳

مسألة ۴: قربانی گاو، یا شتری که یکی از چهار پستانش از بین رفته و یا شیرش خشک شده جایز و اگر دو پستانش از بین رفته و یا شیرشان خشک شده، ناجایز است.^۴

مسألة ۵: اگر حیوان قربانی در ایامش ذبح نشد بعداً به حالت زنده صدقه گردد، و اگر قیمتش را صدقه نمود باز هم درست است.^۵

۱ - فتاویٰ هندیه، ج ۵، ص ۲۹۸

۲ - فتاویٰ هندیه، ج ۵، ص ۲۹۸

۳ - فتاویٰ هندیه، ج ۵، ص ۲۹۹

۴ - فتاویٰ هندیه، ج ۵، ص ۲۹۹

۵ - ردّ المختار، ج ۵، ص ۲۰۳

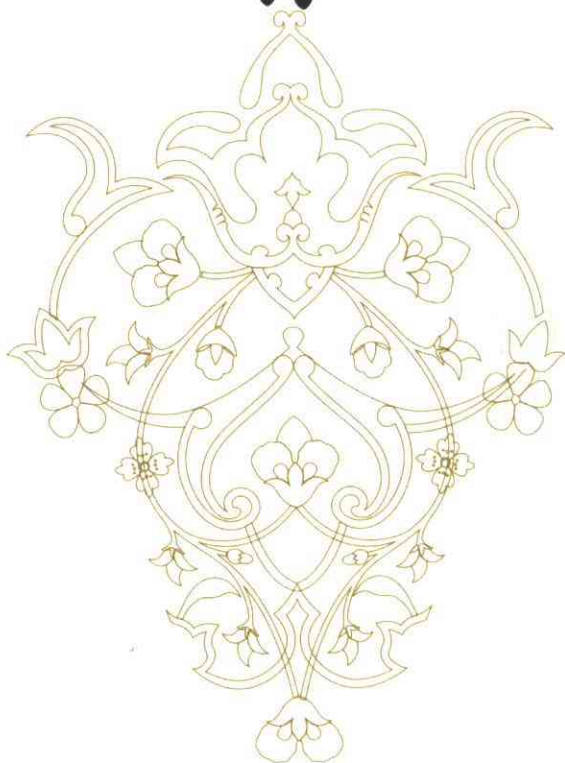
مسألة ۶: رگ‌هایی که بریدن آن‌ها هنگام ذبح ضروری است چهارند: حلقوم (مجری نفس) مری (مجری طعام) و دو رگ (مجری خون) که دو طرف گردن قرار گرفته‌اند. هنگام ذبح کوشش شود هر چهار رگ بریده شوند، اگر اکثر آن‌ها بریده شدند باز هم حیوان مذبوحه حلال، وگرنه، حرام می‌گردد!

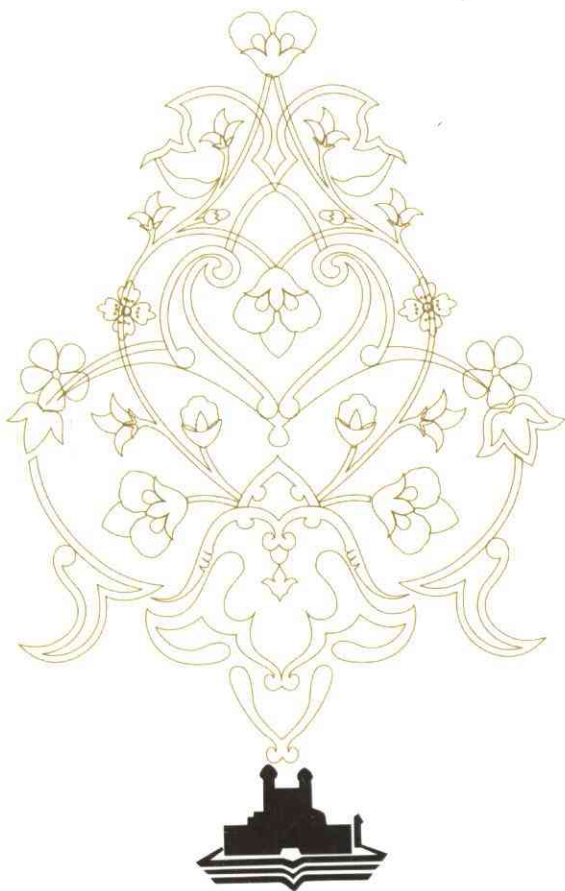
مسألة ۷: آنچه خوردنشان از حیوان مذبوحه درست نیست عبارتند از: (۱) خون مسفوح (۲) ذکر (۳) خصیتین (۴) قُبُل (۵) غُدّه (۶) مِثَانَه (۷) مَرَارَه (کیسه‌ی صفراء).

مترجم



دفتر نشر و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران





انتشارات شيخ الاسلام احمد جام

